(اشعار قیصر امین پور در زمینه دفاع مقدس) شعر اندیشه و تکنیک

شکارسری، حمید رضا

شعر اندیشه و تکنیک‏ نگاهی به اشعار«قیصر امین‏پور» در زمینه دفاع مقدس

مگر می‏توانستی در این سرزمین زندگی کنی و ساکت بنشینی؟ وقتی گوشه‏ای از آن در آتش کینه دشمن می‏سوزد،وقتی‏ جوانان و پیران آن عاشقانه بر خاک می‏افتند.و به آسمان‏ می‏رسند،وقتی کوچه‏های یکی دو متری شهرهایش را با موشکهای نه متری می‏زنند،وقتی خرمشهر و آبادان و دزفول‏ و ایلام و مهران و کرمانشاه و قصر شیرینش را می‏بینی که‏ می‏شکنند و هنوز می‏ایستند،مگر می‏توانستی بی‏تفاوت باشی؟ پس اگر سر سوزن ذوق داشتی،مگر می‏شد ننویسی؟اصلا اگر ذوقی هم نداشتی می‏توانستی چنین بسرایی:

ز ما بر شما تکسواران درود ز ما بر شما جان‏نثاران درود

ز ما بر شما ای دلیران سلام‏ ز ما بر شما پاسداران درود

به این ترتیب حداقل دلت را خالی می‏کردی و بغضی را که‏ فرو خورده بودی رها می‏کردی.حداقل بر لب رزمنده‏ای‏ لبخندی می‏نشاندی.اصلا هیچ کار که نمی‏کردی شعاری‏ می‏دادی،دلت خنک می‏شد.اما اگر ذوقی و استعدادی هم‏ توشه راهت بود حاصل کارت شعر متعهدی می‏شد که کمتر نشانی از شعار در خود داشت.شعری که اندیشه،ذاتی و درونی‏ آن بود،پس فرم و ساختارش با محتوای آن گره خورده و به‏ یگانگی رسیده بود.

شعر«قیصر امین‏پور»شعری از این دست است.شعری که‏ تکنیک و اندیشه را توأم دارد.تکنیک را پشتوانه اندیشه و اندیشه را پشتوانه تکنیک.

مهمترین مددکار اندیشه«امین‏پور»در همراهی تکنیک شعری‏ او،تخیل شگرف اوست.چنان شگرف و بلند که کلاه از سر مخاطب می‏اندازد.

«ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت

صدای مبه مبرخورد بال می‏آید»غزل«سبزترین فصل» «گویی که آسمان سرنطقی فصیح داشت‏ با رعد سرفه‏های گران سینه صاف کرد»غزل«تقصیر عشق‏ بود»

تمایز تخیل«امین‏پور»به رنگ و عطر باورها و اعتقادات‏ مذهبی است که در آن جریان دارد.

«رفتار کعبه‏های روان

بر شانه‏های صبر تماشایی است

بر شانه‏های ای کاش

بر شانه‏های اشک

بر شانه‏های همهمه و فریاد

آه ای کجاوه‏های معلق

در باد!

ای کعبه‏های کوچک چوبی!

ما زایر ضریح شما هستیم

اما شما

اینگونه در طواف که هستید؟»

شعر بر شانه شما»

حالا اگر تلاش امین‏پور در سلامت و صمیمیت زبان را به این‏ تخیل متمایز اضافه کنید به اسکلت محکم و ساختار منسجم‏ و فرم دلنشین و بعضا بکری می‏رسید که خاص شعر انقلاب‏ است.

این ویژگیها را شعرای جوان ولی استخوانداری چون«امین‏پور» و«حسینی»به شعر ارزانی داشتند و به همین دلیل بیهوده‏ نیست اگر اینان را سکاندار شعر انقلاب و دفاع مقدس بنامیم.

«افتاد

آنسان که برگ

-آن اتفاق زرد

می‏افتد

افتاد

آنسان که مرگ

-آن اتفاق سرد-

می‏افتد

اما

او سبز بود و گرم که افتاد»

شعر«اتفاق»

در این شعر کوتاه،امین‏پور گونه شعر دفاع مقدس را به تمامی‏ معرفی کرده است.

شگرد زبانی استفاده از ظرفیتهای مختلف فعل«افتادن»، سلامت زبان و نزدیکی(بلکه انطباق)آن به زبان طبیعی‏ گفتار،استفاده مدرن و به جا از ابزار موسیقایی کلاسیکی چون‏ قافیه(که اصولا شعر انقلاب و دفاع مقدس در نوآوری چه‏ ذهنی و چه زبانی دستاوردهای عظیم شعر کلاسیک فارسی را فراموش نمی‏کند و بنای تازه را بر خلاء نمی‏گذارد)،توجه‏ به فرم و نحوه خیش و چینش واژگان و ساختاری که هیچ‏ گونه تعویض،جابجایی و یا حذفی را در هیچ عضوی از شعر برنمی‏تابد،اینها همه ویژگیهای برجسته شعر موفق دفاع‏ مقدس محسوب می‏شوند که«امین‏پور»در اغلب آثارش به‏ آنها توجه دارد و در دستیابی به آنها به موفقیت می‏رسد.

شعر نو را نباید لزوما مترادف قالب نو دانست.شعر نو چه در قالب نو و چه در قالب کلاسیک از معیارها شعر نو تبعیت‏ می‏کند.

نگاه تازه و متفاوت از شعر کلاسیک با عینی‏گرایی و جزء نگرش خاص شعر امروز در هر قالبی که باشد،شعر نو خواهد آفرید.(و صد البته حضور این نگاه و نگرش در قوالب کلاسیک‏ بس مشکل‏تر از قوالب نو است و قالب کلاسیک خواه و ناخواه‏ در برابر حضور فرم و ساختار تازه در شعر مقاومت می‏کند)

قیصر امین‏پور در قوالب کلاسیک با استعداد و قریحه‏ای قدرتمند اگرچه نه همیشه اما غالب اوقات موفق به خلق فرم و ساختار مدرن با بهره‏گیری از نگاه عینی و جزء نگر می‏گردد.در این‏ اوقات وزن عروضی همان انتظاری بر آورده می‏کند که شعر امروز از آن دارد.یعنی همراهی وزن و حرف و نه تحمیل‏ حرف بر وزن.

«به بار عام شما هم مرا احازه نداد

چه گوک؟از که بگویم؟خدا اجازه نداد

قرار بود شما تا خدا مرا ببرید

شما قبول نکردید یا اجازه نداد؟»

غزل«اجازه»

این همراهی به خصوص در شعرهایی با لحن تغزلی‏ با وضوح بیشتری خود را به رخ می‏کشد،همانقدر که در اشعار با لحن حماسی ضعیف‏تر نشان می‏دهد و مجب تنزل کار می‏گردد.مقایسه دو شعر زیر به‏ قضاوت در این باره کمک می‏کند:

«لبخند تو خلاصه خوبیهاست‏ لختی بخند،خنده گل زیباست

پیشانیت تنفس یک صبح است‏ صبحی که انتهای شب یلداست»

غزل«خلاصه خوبیها» «ناگه رجز هجوم خواندند بر گرده گرد باد راندند شستند به خون شب زمین را شمیشیر به آسمان رساندند. لرزید زمین چنانکه گفتی‏ چندین رمه را ز جای راندن‏ بر سینه خصم در شب فتح‏ صد پرچم خونفشان نشاندند» غزل«رجز هجوم» و اصولا روحیه امین‏پور (به تصویر صفحه مراجعه شود) حماسی نیست و اشعار حماسی او که کم تعداد هم هستند به‏ قدرت دیگر اشعارش نیستند.

اما وابستگی ذهنی امین‏پور به وزن عروضی و اعتقاد ظاهرا راسخ او به این عنصر باعث شده است که تقریبا تمام اشعار نو او در قالب نو نیمایی سروده شوند.بیشتر این اشعار در وزن‏ «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»سروده شده‏اند.

شعرهای نو نیمایی امین‏پور نیز از جمله آثار موفق وی محسوب‏ می‏شوند.شگرد«روایت»در این آثار او از جایگاهی ویژه‏ برخوردار است.چنانچه می‏توان ساختار روایی-توصیفی را، ساختار عمده شعرهای نو او دانست.ساختاری که به دلیل‏ بافت نثری روایت،خطری عمده در مسیر شاعر محسوب‏ می‏شود.اما قیصر امین‏پور در شعرهایی به خصوص«شعری‏ برای جنگ»از عهده شعر کردن روایت به خوبی برمی‏آید. اگرچه در بعضی برشها فوران احساس به سطحی شدن‏ فرازهایی از شعر انجامیده است.

حسن ختام این نوشتار،یکی از فرازهای موفق«شعری برای‏ جنگ»با بافت روایی است که به ساختار روایی کل شعر ختم‏ شده است:

«اخبار دیگری به تو می‏گویم:

اخبار بارهای گل و سنگ

بر قلبهای کوچک

در گورهای تنگ

از خانه‏های خونین

از قصه عروسک خون‏آلود

از انفجار سری کوچک

بر بالشی که مملو رویاست

-رویای کودکانه شیرین-

از آن شب سیاه

آن شب که در غبار

مردی به روی جوی خیابان‏ خم بود

با چشمهای سرخ و هراسان

دنبال دست دیگر خود می‏گشت

باور کنید

باور کنید

من با دو چشم مات خودم دیدم

که کودکی زترس خطر تند می‏دوید

اما سری نداشت

لختی دگر به روی زمین غلطتید

و ساعتی دگر

مردی خمیده پشت و شتابان

سر را به ترک بند دوچرخه

سوی مزار کودک خود می‏برد

چیزی درون سینه او کم‏ بود..